

## ما از نگاه دیگران

آنچه در این شماره، از «کتابخانه‌ی باران» به خوانندگان عرضه می‌شود بخش کوتاهی است (صفحات ۱۵۹ - ۱۵۸) از کتاب «وضع ملت و دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان» نوشته‌ی آرتور کریستن سن ایران‌شناس و ایران‌دوست نامدار دانمارکی. او تحقیقات گسترده‌ای در ادبیات و تاریخ ایران باستان انجام داده و صاحب تألیفات ارزشمندی در این زمینه است. دوران آخرین پادشاهی ایران پیش از اسلام مورد توجه ویژه‌ی این پژوهشگر و تاریخ‌نویس بوده و کتاب «ایران در زمان ساسانیان»ش با گذشت چند دهه همچنان یکی از معتبرترین منابع تحقیق در این زمینه محسوب می‌شود و همچنان محل رجوع و توجه علاقمندان تاریخ ایران باستان است. «وضع ملت و ...» که صفحه‌ای از آن در اینجا نقل می‌شود، کتاب دیگر کریستن سن است درباره‌ی دوران ساسانیان. در بخشی از این کتاب نویسنده خصائل ایرانیان آن دوران را از زبان مورخ رومی آمیانوس نقل می‌کند و معتقد است که قضاوت‌های او «همچنان سزاوار کمال اعتماد است». جالب اینجاست که نوشته‌ی کریستن سن نیز به حدود یک قرن پیش متعلق است و ترجمه‌ی فارسی آن نیز بار اول نزدیک به هفتاد سال پیش منتشر شده. آمیانوس (۳۹۵ - ۳۳۰ م.) اواخر قرن چهارم میلادی تاریخ سه قرن امپراتوری روم (سالهای ۹۶ تا ۳۷۸ م.) را در سی و یک جلد تحریر می‌کند که از سیزده جلد نخست آن اثری به دست نیامده است.

برگی از کتاب وضع ملت و دولت و دربار  
در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان  
نوشته‌ی آرتور کریستن سن  
ترجمه‌ی مجتبی مینوی

به هم پیوسته، و ریش زیبا و موی بلند و راست می‌باشند. فوق‌العاده بدگمان و محتاط‌اند به طوری که گاهی در سرزمین دشمن از باغها و تاکستانها می‌گذرند، از ترس زهر یا جادو، نه دست به سوی چیزی می‌برند و نه هرگز میل می‌کنند که از میوه‌ها بخورند. کمال مواظبت را دارند که رفتاری زشت و کاری مخالف ادب از ایشان سر نزنند، کیهی اعمال ناپی طبعی را در منتهای مستوری و شرم انجام می‌دهند، و جبّه‌هایی که می‌پوشند چنان تمام تن را فرا می‌گیرد که از سر تا پای ایشان هیچ نقطه‌ی بدن مشهود نیست، و حال آنکه پیش سینه و دو پهلو جبهه‌ها باز است، به طوری که هنگام راه رفتن در اهتزاز می‌آید. بازو بند طلا می‌بندند و

مصنّفان مغرب زمین، چون آمیانوس و پروکوپيوس، این ملت را با تمام جنبه‌های خوب و بد آن شناخته و توصیف کرده‌اند. وصف بسیار روشن و جانداري که آمیانوس از ایرانیان کرده است، و تا کنون چندین بار فرصت پیش آمده که ما فقرات مختلفی آن را نقل کرده‌ایم، با صرف‌نظر از چند سهو و اشتباه کوچک که کرده است، سزاوار کمال اعتماد است. در واقع طبقات عالی‌ی اشرافی است که او وصف می‌کند. ایرانیان از حیث شکل و هیأت ظاهری تقریباً همه خوش قد و متناسب اندام، گندمگون یا سبزه‌ی روشن، با نگاهی مانند نگاه بز، سخت و خیره، و ابروان خمیده و

گردن‌بند طلا می‌آویزند و خود را به جواهر، خاصه مروارید، می‌آرایند، و همه وقت حتی در مهمانیها و جشنها نیز شمشیر به کمر خویش بسته دارند. چون بیخردان سخنان بیهوده و بی‌مغز می‌گویند و در گفتگو فریاد و عریده می‌کشند، از خود بسیار دم می‌زنند و بزرگ‌گویی می‌کنند، از برتی و خودپسندی و فریب و آزار کردن بهره‌ی فراوان دارند و به آسانی رام نمی‌شوند، در دوستی و دشمنی و آسانی و سختی گهتار و رفتارشان نپی‌آمیز است. در راه رفتن سست و بی‌فیداند و چنان آزاد و آسوده حرکت می‌کنند که شخص بدیشان گمان غیج و دلال و ناز و خرام می‌برد، و حال آنکه نیرومندترین جنگیان‌اند، مع‌هذا در جنگ هنرشان بیش از تهور و جسارتشان است، و در نبرد دورادور استوارتر و دلیرتر از ایشان کسی نیست، و خلاصه این که در تحمل کلیه‌ی زحمات پیکار دل و جرأت بسیار دارند. خویشتن را صاحب اختیار مطلق بندگان خویش، و بلکه مالک جان کلیه‌ی فرومایگان می‌دانند و هیچ‌یک از خدمتگذاران ایشان بر سر میز طعام، خواه در حین خدمت و خواه در حال سکون، جرأت و اجازه ندارد دهان خویش را برای سخن گفتن یا دهن‌دره یا خیار انداختن باز کند. آمیانوس علاوه بر این میل ایشان را به پسر - بارگی<sup>۱</sup> و شوق مفرطشان را به عیش و عشرتهای شهوانی ذکر می‌کند و می‌گوید که غالب آنان چنان‌اند که به آسانی آکفا به کنیزکان فراوانی هم که برای همخوابگی دارند نمی‌نمایند. از جانب دیگر امساک ایشان را در امر طعام و لذت ذائقه می‌ستاید، و می‌گوید که جز بر سر میز شاه، دیگر هنگام معین و ساعت مقرری برای طعام ندارند، بلکه معده هر کس ساعت اوست (یعنی همین که احساس گرسنگی کردند می‌خورند)، و آن قدر می‌خورند که سیر شوند و شکم گرانبار نگردد. اما درین باب آن‌طور که آمیانوس حکم را کلی بیان کرده است شاید بالتمام صحیح نباشد، لیکن نسبت به پرخورگی و شکم‌پرستی که از رومیان در

عهد قیصر سراخ داریم، اگر ایرانیان را در التذاذ از اطعمه میانه‌رو، بلکه قانع، بخوانیم شاید بی‌حق نباشیم. مع‌هذا گفته‌ی دیگر او که «ایرانیان در بزم سور و ضیافت خوددار و معتدل‌اند، و از زباده‌روی خاصه از حرص به میگساری چنان می‌پرهیزند که گویی از طاعون می‌گریزند» کاملاً اشتباه است: اینجا بی‌شک فریب‌گته‌ی ایرانیانی را خورده است که مأخذ اقوال او بوده‌اند. آگاثیاس حکایت می‌کند که فلاسفه‌ی افلاطونی جدید، ایران را از آن سبب ترك کردند که سنگدلی و ستمگری عموم ارباب‌اقدار، و شهوت‌پرستی بیرون از حساب و اوضاع شبستان (اندرون، حرم) ایشان، آنان را خوش نمی‌آمد، و این گته‌ی او نزدیک به حقیقت و قابل قبول است.

...



وضع ملت و دولت و دربار ...  
 آرتور کریستنسن، ترجمه مجتبی مینوی  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 چاپ اول: ۱۳۱۴، چاپ دوم: ۱۳۷۴

۱. در ترجمه تحت‌اللفظ تاریخ آمیانوس به انگلیسی (ترجمه Yonge) نوشته است «ایشان از عادات زشت غیرطبیعی آزادند» و این اگر من اشتباه نکم به عکس آنچه استاد نوشته می‌باشد. (م. مینوی)